

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ذکات مهرو کلیدی کتاب مصباح القراءة^۱

^۱ دروس ۲۱ تا ۳۰ کتاب مصباح القراءة (سرفصل های امتحان پایان ترم قرائت و تجوید ۲)

سکون و انواع و احکام آن^۲

در لغت: آرامش و عدم حرکت

در معنا: بدون حرکت خواندن حرف

جزم با سکون متفاوت است ممکن است کلمه ای مجزوم باشد ولی ساکن نداشته باشد مثل: لم یتته

انواع سکون از جهت اول

ذاتی: در ساختار و اصل کلمه وجود دارد. مانند هر دو سکون «منهم»

عارضی: در ساختار کلمه نباشد و به هنگام وقف بر آن عارض شود. مانند الرحیم

انواع سکون از جهت دوّم

مظهر: سکونی که در کلمه آشکار است. مانند دو سکون الْحَمْدُ

مدغم: سکونی است که در داخل تشدید پنهان است که سکون آن حرف مشدد را سکون مدغم می نامند. مثلاً در کلمه دایه سکون باء اول در باء دوّم ادغام شده و هر دو باء به صورت یک باء مشدد نوشته می شود.

حالات حروف ساکن در تلفظ

۱. قلقله: مخصوص حروف «قطب جد» است اما اگر این حروف تشدید بگیرند، قلقله ندارند.

۲. قطع صدا: سه حرف «ک،أ،ت» هنگام سکون صدای حرف قطع می شود زیرا کشش پذیر نیستند. مانند: یکتُب، اَکَالُونَ

۳. کشش پذیری: بقیه حروف عربی (۲۰ حرف) هنگام سکون اجازه عبور صدا را می دهند اگر چه در پنج حرف «لن عمر» نسبت به دیگر حروف سخت تر این اتفاق می افتد.

احکام میم ساکنه

۱. ادغام

در لغت: داخل نمودن
در اصطلاح: داخل نمودن حرفی در حرف ما بعد از خود به صورتی که حرف اول حذف شده و حرف بعدی مشدّد خوانده شود. مثال: کم مین

۲. اخفاء

در لغت: پنهان نمودن
در اصطلاح: پنهان تلفظ نمودن لفظ مثل: هم بمؤمنین

۳. اظهار

در لغت: آشکار نمودن
در اصطلاح: کامل تلفظ نمودن حرف. میم ساکنه نزد ۲۶ حرف دیگر اظهار می شود مثل: یمکرون
اشد اظهار نیز اصطلاحاً به اظهار میم ساکنه در فاء و واو گفته می شود. مانند: هم فیها، لکم ولد

تنوین^۳

در لغت: نون تلفظ کردن

در معنا: نون ساکنی که در انتهای کلمه خوانده شده ولی نوشته نمی شود.

حرکات بدلی: به عنوان مثال در تنوین^۳ — حرکت اول ضمه و حرکت دوم بدل از نون ساکنی آمده که در انتهای کلمه خوانده می شود.

منون: حرف دارای تنوین را می گویند.

دو فعلی که تنوین دارند: لیکوناً — لنسفَعاً

احکام تنوین و نون ساکن^۴

۱. اظهار: تنوین یا نون ساکن به حروف حلقی (ها، همزه، حا و خا و عین و غین) برسد. مثال: من حکیم، إن هو
۲. ادغام: هنگامی که به حروف **یرملون** برسیم. اگر به **یمون** برسیم ادغام با غنه (مثال: من یرغب، من نبی) و اگر به **لر** برسیم ادغام بدون غنه است. (مثال: من رزق، أن لیس)
- *استثناء: در این کلمات ادغام نداریم: دنیا، بنیان، قنوان، صنوان، من راق و در حروف مقطعه (مثل: یس والقرآن الحکیم * ن والقلم...)
۳. قلب به میم (اقلاب)
در لغت: دگرگون کردن
اصطلاحی: تبدیل تنوین یا نون ساکنه به «میم» هنگامی که به باء می رسیم. حرف میم نیز هنگام تلفظ اخفاء می شود (مثال: من بعد، علیم بالظالمین)
۴. اخفاء:

یعنی پنهان تلفظ نمودن حرف
اخفاء در حالتی صورت می گیرد که تنوین یا نون ساکن به بقیه حروف برسد. مثال: أنفسکم و...
۱* اگر این حروف یکی از حروف دارای استعلاء باشد، غنه اخفاء به تبع حرف تفخیم می شود مثال: منضود، ینقلب

تشدید و احکام آن^۵

- تشدید در لغت: سخت نمودن و شدت بخشیدن
- در اصطلاح: دوبار خواندن حرف
- حروف مشدد هیچگاه اول کلمه نمی آید زیرا به کمک حرف ماقبلش خوانده می شود و به تنهایی قابل خواندن نیست.
- در ادغام حرف اول مدغم و حرف دوم مدغم فیه نام دارد.
- علت ادغام: رفع ثقلی است که از تلفظ یک حرف و سپس بازگشت دوباره به همان مخرج اتفاق می افتد.
- اگر در ادغام حرف مدغم ساکن باشد، آن را ادغام صغیر و اگر متحرک باشد، ادغام کبیر می گویند.

^۴ درس ۲۳

^۵ درس ۲۴

انواع ادغام (از جهت تناسب بین مدغم و مدغم فیه):

۱. متماثلین (دو حرف از نظر مخرج و صفات مثل هم باشند) مثال: کم مین، قد دخلوا
✓ ادغام حروف مدی در غیر مدی رخ نمی دهد. مثال: فی یوسف
۲. انواع ادغام متجانسین (حروفی که مخرج یک جنس دارند ولی صفات متفاوت دارند).
✓ باء ساکن در میم: در قرآن فقط در عبارت «إرکب معنا»
✓ حروف «ت، د، ط» در یکدیگر: قد تبیین
✓ حروف «ث، ذ، ظ» در یکدیگر: إذ ظلمتم
۳. انواع ادغام متقاربین (تقارب دو حرف در مخرج یا صفات):
✓ قاف ساکن در کاف: ألم نخلقکم
✓ لام ساکن در راء: قل ربّ
✓ نون ساکن در حروف ل، ی، م، و، ر: من لدن، من ربّ

انواع ادغام بر حسب قوت و ضعف

۱- ادغام تام:
مدغم ضعیف تر یا مساوی مدغم فیه است و اثری از شخصیت مدغم باقی نمی ماند. مثال: نون ساکن در لام (یکن له) *اکثر ادغام ها، ادغام تام هستند.

۲- ادغام ناقص:
مدغم قوی تر از مدغم فیه است و تنها بخشی (ناقص) از شخصیت و صفت بارز مدغم به مدغم فیه منتقل می شود.
در سه مورد:

- ✓ «ط» در «ت» صفت استعلاء: فرطت
- ✓ «ق» در «ک» صفت استعلاء: ألم نخلقکم
- ✓ «ن» در «و، ی» صفت غنه: من یشاء

مدّ، انواع و احکام آن^۶

مدّ در لغت: کشش و زیادت

در اصطلاح: کشش حروف مدّی

انواع مدّ:

۱. طبیعی (اصلی): سبب خاصی برای مدّ ندارد. مثال: نوحیها
۲. فوق طبیعی (فرعی): به دلیل آمدن یکی از اسباب مدّ پس از حروف مدّ. مثال: یشَاء

انواع اسباب مدّ فرعی

- ✓ معنوی: به سبب معنی داخل کلمه مدّ به وجود آمده است.
- مدّ مبالغه: در لای نفی جنس می آید و اگر مقصود اثبات توحید باشد مدّ تعظیم نام دارد مثل لا إله إلا الله
- ✓ لفظی: هرگاه حرف (همزه) یا علامت خاصی (سکون) پس از یکی از حروف مدّی بیاید، باعث ایجاد مدّ می شود. مثال: یشَاء، سوء، الآن

اگر سبب مدّ فرعی همزه باشد:

- ✓ مدّ متصل: اگر مدّ و همزه در یک کلمه باشد. مثال: ماء، جیء
- ✓ مدّ منفصل: اگر مدّ و همزه در دو کلمه باشد. مثال: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ

اگر سبب مدّ فرعی ساکن باشد، دو حالت متصور است:

- ✓ سکون ذاتی (مدّ لازم): أُنْتَجَبُونَ
- ✓ سکون عارضی (مدّ عارضی): الرَّحِيمِ

*هرگاه پس از «و، یاء ساکن» ماقبل مفتوح قرار گیرد مدّ لین به وجود می آید. مثال: علیه، الیوم

احکام مدّ فرعی^۷

میزان کشش انواع مدّ با حرکت سنجیده می شود و حرکت، مقدار زمانی که یک حرکت کوتاه تلفظ می شود را گویند.

میزان کشش ها

✓ قصر

در لغت: کوتاه نمودن

در اصطلاح: کشش ۲ حرکتی (حداقل میزان کشش موجود)

✓ فوق قصر

در لغت: میانه بودن

در اصطلاح: کشش ۳ حرکتی

✓ فوق توسط

کشش ۴ حرکتی

✓ طول

در لغت: درازا

در اصطلاح: کشش ۶ حرکتی

میزان کشش انواع مدّها:

مدّ طبیعی = قصر: نوحیها

مدّ معنوی = توسط: لا رِبّ

مدّ متصل = توسط یا فوق توسط: الملائکه

مدّ منفصل = قصر، توسط یا فوق توسط: فی أموالهم

مدّ لازم = طول: أتجاجونی

مدّ عارضی و لین = قصر، توسط یا طول: الرّحیم

*قاعده توازن مدّ: مقدار کشش در موارد یک نوع مدّ در طول یک تلاوت باید یکسان باشد.

*مدّ منفصل نباید بیش از متصل و مدّ لین نباید بیش از مدّ عارضی کشیده شود.

وقف و سکت^۸

تلاوت صحیح بر دو پایه:

۱- ادای صحیح حروف

۲- شناخت وقوف

وقف

در لغت: ایستادن و حبس نمودن

در اصطلاح: قطع صدا در انتهای یک عبارت، مکث و تجدید نفس و ادامه تلاوت

سکت

در لغت: ساکت شدن

در اصطلاح: قطع صدا در زمانی کوتاه بین دو کلمه و ادامه تلاوت بدون تجدید نفس

✓ مواضع وجوب سکت در قرآن

۱- سوره کهف: هنگام وصل آیه اول به دوم

۲- آیه ۵۲ سوره یس: سکت بین کلمات «مَرَقْدَانَا» و «هَذَا»

۳- آیه ۲۷ سوره قیامت: بین کلمات «مَنْ» و «رَاق»

۴- آیه ۱۴ سوره مطففین: بین کلمات «بَل» و «رَانَ»

✓ مواضع جواز سکت در قرآن

۱- سوره حاقّه: سکت بین دو کلمه «مَالِيَه» و «هَلِك»

۲- سکت هنگام اتصال سوره انفال به توبه

قطع

در لغت: بریدن

در اصطلاح: اتمام تلاوت و منصرف شدن از ادامه آن

^۸ درس ۲۷

انواع وقف^۹

۱- اسکان

در لغت: ساکن نمودن

در اصطلاح: ساکن نمودن حرف آخر کلمه به هنگام وقف

موارد اجرای وقف:

✓ حرف آخر دارای حرکات کوتاه باشد. مثال: الحقّ

۲- ابدال

در لغت: تبدیل نمودن

در اصطلاح: تبدیل حرف یا حرکت آخر کلمه به حرف یا حرکت دیگر به هنگام وقف

موارد اجرای وقف:

✓ حرف آخر تاء گرد باشد و یا تاء گرد تنوین نصب داشته باشد. مثال: رحمه

✓ حرف آخر تنوین نصب داشته باشد. علیماً

✓ حرف آخر «ی» مفتوح ماقبل مکسور و «و» مفتوح ماقبل مضموم باشد به یا و واو ملئی تبدیل می شود. مثال: نعمتی، هو

۳- الحاق

در لغت: ملحق نمودن

در اصطلاح: ملحق نمودن هاء سکت به انتهای کلمه در حالت وقف

موارد اجرای وقف: حسابیه، کتابیه، مالیه

۴- بلا تغییر

بدون تغییر در آخر کلمات مثال: علیهم، امنوا

۵- روم

در لغت: قصد نمودن

در اصطلاح: اشاره بسیار کوتاه به حرکت حرف آخر کلمه

موارد اجرای وقف: غفور، نستعین، ولی دین

۶- اشمام

در لغت: بویانیدن

در اصطلاح: جمع کردن لب هابه هنگام وقف به صورت ضمّه

موارد اجرای وقف: حرف آخر کلمه مضموم باشد. غفور

وقف و ابتداء^{۱۰}

*راه اصلی شناخت محل صحیح وقف و ابتدا درک صحیح معنی و مفهوم عبارت و آشنایی با واژگان و قواعد عربی است.

وقف به دو دسته اضطراری و اختیاری تقسیم می شود که وقف اختیاری، ۴ نوع دارد.

انواع وقف اختیاری

✓ تام (وقف بهتر گاهی واجب «بیان تام»): وقف بین دو عبارت که از لحاظ لفظ و معنی از یکدیگر مستقل باشند. مثال بین دو آیه ۵ و ۶ سوره بقره

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۶)

✓ کافی (وقف جایز گاهی واجب «بیان کافی»): وقف بین دو عبارت که از لحاظ لفظی مستقل بوده و از لحاظ معنایی به هم وابسته اند.

✓ حسن (وصل بهتر است و وقف جایز): وقف بین دو عبارتی که وابستگی لفظی و معنایی دارد اما عبارت اول به تنهایی کامل و عبارت دوم به تنهایی ناقص است.

✓ قبیح (وقف ممنوع): وقف بین دو عبارتی که هیچ کدام به تنهایی معنای کامل و مستقلی ندارند یا در صورت وقف معنایی خلاف مقصود به شنونده منتقل می شود. اگر هنگام وقف معنای آیه کفرآمیز گردد آن را وقف اقیح می گویند.

انواع فرعی وقف

- ✓ ازدواج (وقف بهتر از وصل): دو عبارت از نظر معنا کامل و مستقل بوده و با یکدیگر متناظر باشند.
- ✓ معانقه: کلمه یا عبارت معنای مستقلی ندارد ولی می تواند معنای عبارت بعد یا قبل خود را تکمیل کند.
- ✓ تعسف: با حالتی غیر معمول روی برخی کلمات وقف کرد به طوری که معنای حاصل شده صحیح باشد.

*ابتدا نیز مانند وقف ۴ نوع اصلی دارد.

- ✓ تام: دو عبارت بدون وابستگی لفظی و معنایی
- ✓ کافی: دو عبارت دارای وابستگی معنوی و استقلال لفظی
- ✓ حسن: دو عبارت دارای رابطه لفظی و معنایی با یکدیگر و دارای معنای مستقل از یکدیگر
- ✓ قبیح: ابتدایی که باعث ایجاد خلل در فهم معنای مراد شود.

رموز سجاوندی

نوع وقف	علامت	نوع وقف	علامت
وقف مجوز	ز	وقف مطلق	قلی
وقف مرخص	ص	وقف کافی	صلی
وقف ممنوع	لا	وقف معانقه	:: ::
وقف جایز	ج	وقف مطلق	ط
وقف لازم	م		

ISUPOL91.IR